

مبانی روش‌های پژوهش ترکیبی

تلفیق پژوهش‌های کمی و کیفی

در پژوهش اجتماعی و رفتاری

ویراست دوم

تألیف

دکتر عباس تشکری

دکتر آر. بورک جانسون

دکتر چارلز ب. تدلی

ترجمه

دکتر مجید پاکدامن

عضو هیئت علمی دانشگاه

فهرست

مقدمه.....	۱۱
سپاس‌گزاری ناشر.....	۱۵
درباره نویسندگان.....	۱۷
بخش نخست: روش‌های ترکیبی / ۱۹	
فصل ۱: روش‌های ترکیبی به‌منزله سومین جامعه پژوهشی.....	
سه جامعه پژوهشی در علوم اجتماعی و رفتاری.....	۲۲
یک مثال از چگونگی رویکرد سه جامعه پژوهشی به یک مسأله پژوهشی.....	۲۹
سه جامعه روش‌شناختی: بحث‌های مداوم یا همزیستی مسالمت‌آمیز؟.....	۳۶
تفاوت‌های بین پارادایم‌ها، روش‌شناسی‌ها و روش‌ها.....	۴۰
مراحل پژوهش: رویکرد سیستمی.....	۴۴
جزئیات بیشتر در مورد جوامع روش‌شناختی.....	۴۸
چرخه پژوهش استقرایی - قیاسی (چرخه روش‌شناسی پژوهش).....	۶۰
خلاصه فصل.....	۶۳
فصل ۲: سه رویکرد به پژوهش.....	
تمايزهای روش‌شناختی بین سه جامعه پژوهشی:	
پیوستارها، نه دوگانگی.....	۶۷
موضوعات مرتبط با روش‌های ترکیبی: اصطلاحات و تعاریف.....	
کاربرد پژوهش‌های ترکیبی.....	۷۵
خلاصه فصل.....	۸۲
فصل ۳: مبانی فلسفی روش‌های پژوهش ترکیبی.....	
مرور مسائل فلسفی مرتبط با پارادایم‌ها.....	۸۷
دیدگاه‌های معاصر در مورد استفاده از پارادایم‌ها.....	۱۰۱
خلاصه فصل.....	۱۰۵
بخش دوم: روش‌ها و راهبردهای پژوهش ترکیبی / ۱۰۹	
فصل ۴: دروندادهای فرایند پژوهش.....	
مقدمه: مرحله آغازین پژوهش.....	۱۱۲
دلایل انجام پژوهش در علوم اجتماعی و رفتاری.....	۱۱۴
ظهور ایده‌های قابل پژوهش در حوزه‌های مورد علاقه.....	۱۲۱
انجام بررسی‌های ادبیات.....	۱۲۹
ایجاد اهداف برای پژوهش ترکیبی (MM).....	۱۳۷
ایجاد سؤالات پژوهشی برای پژوهش ترکیبی (MM).....	۱۳۹
خلاصه فصل.....	۱۴۵

فصل ۵: طرح‌های پژوهش ترکیبی ۱۴۷

مسائل مربوط به گونه‌شناسی طرح‌های پژوهش

ترکیبی ۱۴۹

معیارهای مورد استفاده در انواع طرح‌های پژوهش

ترکیبی ۱۵۰

طرح‌های پژوهشی روش‌های شبه‌ترکیبی ۱۵۴

اصطلاحات اساسی برای طرح‌های پژوهش ترکیبی ۱۵۸

ماتریس طرح توالی - منابع ۱۶۰

طرح‌های معروف در پژوهش‌های تک‌روشی، چندروشی و

ترکیبی ۱۶۵

گونه‌شناسی‌های دیگر طرح‌های پژوهشی روش‌های

ترکیبی (MM) ۱۷۸

فرایند شش مرحله‌ای برای انتخاب یا ساخت یک طرح

مناسب برای روش‌های ترکیبی (MM) ۱۸۳

خلاصه فصل ۱۸۶

فصل ۶: روش‌ها و راهبردهای نمونه‌گیری برای

پژوهش ترکیبی ۱۸۹

روش‌ها و راهبردهای نمونه‌گیری در علوم اجتماعی و

رفتاری ۱۹۱

روش‌های نمونه‌گیری احتمالی سنتی ۱۹۳

روش‌های سنتی نمونه‌گیری هدفمند ۱۹۸

ملاحظات کلی در مورد نمونه‌گیری روش‌های ترکیبی ۲۰۴

رویکردهای نمونه‌گیری در روش‌های ترکیبی ۲۱۰

راهنمای نمونه‌گیری در روش‌های ترکیبی ۲۲۰

خلاصه فصل ۲۲۳

فصل ۷: ملاحظات قبل از گردآوری داده‌ها ۲۲۵

آماده شدن برای مرحله بعد: قبل از شروع ۲۲۶

مقدمه‌ای بر گردآوری داده‌ها در پژوهش ترکیبی

(MM) ۲۳۴

کیفیت داده‌ها در بخش‌های کمی و کیفی پژوهش ترکیبی

(MM) ۲۴۰

خلاصه فصل ۲۵۳

فصل ۸: روش‌های گردآوری داده‌ها در پژوهش

ترکیبی ۲۵۵

روش‌های اصلی گردآوری داده‌ها در پژوهش ترکیبی .. ۲۵۸

گردآوری داده‌های روش‌های ترکیبی بین‌روشی ۲۸۵

خلاصه فصل ۲۹۷

فصل ۹: تحلیل داده‌ها در پژوهش ترکیبی ۲۹۹

راهبردهای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی ۳۰۱

چهار نوع اصلی تحلیل داده‌های کیفی ۳۰۴

راهبردهای تحلیل داده‌های کمی ۳۰۸

به کارگیری جنبه‌هایی از چارچوب‌های تحلیلی یک سنت

در تحلیل داده‌های سنت دیگر ۳۴۳

خلاصه فصل ۳۴۸

فصل ۱۰: فرایند استنتاج در پژوهش ترکیبی ۳۵۱

پژوهش ترکیبی و استنتاج ۳۵۵

استنتاج پژوهشی چیست؟ ۳۵۷

فرایند استنتاج ۳۵۹

ارزیابی و به حداکثر رساندن کیفیت استنتاج‌های

پژوهشی ۳۶۵

توضیح تکمیلی برای چارچوب یکپارچه ما از روش‌های

ترکیبی ۳۸۸

انتقال‌پذیری استنتاج‌ها در پژوهش‌های ترکیبی ۳۹۱

خلاصه فصل ۳۹۴

فصل ۱۱: از آغاز تا بهره‌برداری ۳۹۶

از آغاز تا بهره‌گیری از نتایج پژوهش ۳۹۸

انجام و انتشار مطالعات روش‌های ترکیبی ۴۰۰

سیاست‌ها، چالش‌ها و چشم‌اندازهای پیش روی روش‌های

۴۴۱	سوگیری باور در استدلال	۴۱۶	ترکیبی (MM)
۴۴۳	روش	۴۲۳	آموزش و یادگیری روش‌شناسی پژوهش (یکپارچه)
۴۵۲	نتایج	۴۳۰	چالش‌ها و جهت‌گیری‌های آینده
۴۵۵	بحث	۴۳۷	خلاصه فصل
۴۶۱	ضمیمه		پیوست: اجرای تلفیق در یک مطالعه روش‌های
۴۶۵	واژه‌نامه	۴۳۸	ترکیبی
۴۸۱	منابع	۴۳۸	چکیده
		۴۳۸	کلیدواژه‌ها

مقدمه

چاپ دوم کتاب مبانی روش‌های پژوهش ترکیبی که در سال ۲۰۰۹ منتشر شد، شامل تغییرات فراوان و یک همکار جدید است. خوشحالیم که برک جانسون را به تیم خودمان خوش‌آمد می‌گوییم. حضور او کتاب را از جهات مختلفی غنی کرده است. ما بسیاری از ایده‌ها را به‌طور کامل به‌روز کرده‌ایم و نمونه‌های تازه‌ای از پروژه‌های پژوهشی را در این ویرایش جدید ارائه کرده‌ایم.

به‌طور کلی، روش‌شناسی پژوهش‌های انسانی و به‌ویژه پژوهش‌های روش‌های ترکیبی در دو دهه اخیر به‌طور چشم‌گیری تغییر کرده است. پیشرفت‌های فن‌آوری امکان گردآوری و تحلیل داده‌ها را با سرعت و دامنه‌ای که در گذشته امکان‌پذیر نبود، فراهم آورده است. با این حال، پدیده‌ای با عنوان کلی بحران تکرارپذیری و تغییرات اجتماعی-سیاسی منجر به زیر سؤال رفتن اعتبار بسیاری از یافته‌های پژوهشی بسیار برجسته شده است. ما برخی از این نگرانی‌ها را در فصل ۱۰ مورد بحث قرار می‌دهیم.

عدم توجه به فرآیند و بستر پژوهش به منزله یکی از منابع این نگرانی‌ها هم در جامعه علمی و هم در میان گروه‌هایی مانند روزنامه‌نگاران و سیاست‌گذاران شناخته شده است. ما پیشنهاد می‌کنیم (به‌ویژه در فصل ۱۱) که پژوهش‌های با روش‌های ترکیبی می‌توانند با ارائه روایت‌های غنی از بستر و فرآیندهای یک پروژه و همچنین تسهیل تکرارپذیری و انتقال‌پذیری برای سیاست‌گذاری و عمل، به کاهش برخی از این مسائل کمک کنند.

در این ویرایش دوم، تمرکز بیشتری بر بحث‌های مربوط به استانداردهای کیفیت و ارتقای آن داریم. ما بر این باوریم که برخی از مسائل مربوط به اعتبار در پژوهش‌های انسانی ممکن است با استفاده از راهبردهای پژوهشی گسترده‌تری که نقاط قوت رویکردها و روش‌های کیفی و کمی را در خود جای می‌دهد، قابل حل باشد. پژوهش‌های با روش‌های ترکیبی، زمانی که به آنها نیاز باشد و به درستی به کار برده شوند، یکی از این چشم‌اندازهای وسیع‌تر را ارائه می‌دهند. در قلب این اصطلاح اخیر (به درستی) مفهوم تلفیق قرار دارد که موضوع بسیاری از مباحثات اخیر در جامعه پژوهشی روش‌های ترکیبی است. پژوهش‌های با روش‌های ترکیبی می‌توانند راه حلی ارائه دهند، به شرطی که نهادها، فرایندها و نتایج پژوهش، رویکردها، روش‌ها، یافته‌ها و استنتاجات کیفی و کمی زیربنایی را به‌طور مؤثری تلفیق کنند.

نخستین ویرایش کتاب مبانی زمانی نوشته شد که روش‌های ترکیبی هنوز در حال شکل‌گیری بود. این سومین کتاب ما در زمینه روش‌های ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری به شمار می‌رفت و به دنبال کتاب‌های روش ترکیبی: تلفیق رویکردهای کیفی و کمی (۱۹۹۸) و دست‌نامه روش‌های ترکیبی در پژوهش‌های اجتماعی و رفتاری (۲۰۰۳) منتشر شد. از برخی جهات، ویرایش نخست کتاب مبانی شباهت قابل توجهی با دو کتاب قبلی ما (و برخی آثار دیگر در این حوزه) داشت. در این کتاب تلاش کردیم نشان دهیم که تمایز قطعی میان روش‌های کیفی (QUAL) و کمی (QUAN) امری قراردادی است. ما پروژه‌های پژوهشی را روی یک پیوستار چندبعدی مفهوم‌سازی کردیم که از اجزای متعددی تشکیل شده است. هر پروژه پژوهشی به گونه‌ای مفهوم‌سازی شد که جایگاهی روی هر یک از این ابعاد پیوسته داشته باشد. ما به شکاف کیفی-کمی به مثابه نماینده‌ای از دو جامعه پژوهشی نگاه می‌کردیم، نه روش‌شناسی‌های کاملاً مجزا.

ویرایش دوم کتاب مبانی بسیاری از این ایده‌ها را روزآمد می‌کند تا آنها را با آخرین تحولات این حوزه مطابقت دهد. با وجود هزاران کتاب و مقاله ژورنالی، روش‌شناسی یکپارچه دیگر در مراحل اولیه توسعه قرار ندارد. این حوزه از اواخر قرن بیستم به بلوغ رسیده است و از کمک پژوهشگران رشته‌های مختلف دانشگاهی در سراسر جهان بهره‌مند شده است. پیشرفت‌های فن‌آوری نیز در زمینه گردآوری و تحلیل داده‌ها مؤثر واقع شده‌اند. ویرایش دوم ما بسیاری از این تحولات را ارائه می‌دهد.

کتاب مبانی، شاید حتی بیشتر از ویرایش اول، به گونه‌ای نوشته شده است که هم به منزله منبعی مرجع و هم به مثابه کتاب درسی مورد استفاده قرار گیرد. در هر بخش از کتاب، ابتدا به مباحث بنیادین روش‌شناسی مشترک در جوامع کیفی و کمی می‌پردازیم و سپس کاربرد آنها را در روش‌های ترکیبی مورد بحث قرار می‌دهیم. این رویکرد بر اساس سال‌ها تجربه ما در تدریس دوره‌های روش‌شناسی پژوهش در مقطع تحصیلات تکمیلی بنا شده است. ما دوره‌های روش‌شناسی را در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری به صورت یکپارچه تدریس می‌کنیم و شکاف کیفی-کمی موجود در بسیاری از برنامه‌های آموزشی را پر می‌کنیم. فصل ۱۱ این ویرایش خلاصه‌ای از برخی از این تجربیات را ارائه می‌دهد.

تنها امید ما این است که این کتاب را نه برای پژوهشگران و متخصصان حرفه‌ای بیش از حد ساده و نه برای دانشجویانی که تازه با روش‌شناسی به طور کلی و روش‌های ترکیبی به طور خاص آشنا می‌شوند، بیش از حد پیچیده نکرده باشیم.

ویرایش دوم کتاب مبانی نسبت به ویرایش اول، بیشتر بر شیوه‌های عملی یادگیری، انجام و انتشار پژوهش تمرکز دارد. در پاسخ به بازخورد خوانندگان، فصل‌های نظری بخش اول (روش‌های ترکیبی: سومین جنبش روش‌شناختی) را به طور قابل توجهی کوتاه کرده‌ایم. فصل‌های ۱ و ۲ پیشینه ضروری در مورد سه جامعه پژوهشی را ارائه می‌دهند و فصل ۳ به مبانی فلسفی می‌پردازد. بخش اعظم کتاب را به گسترش بخش دوم (روش‌ها و راهبردهای

پژوهش ترکیبی) اختصاص داده‌ایم. فصل‌های ۴ تا ۱۱ خواننده را در فرایند پژوهش ترکیبی راهنمایی می‌کنند؛ از آغاز یک مطالعه تا گردآوری و تحلیل داده‌ها، استنتاج بر اساس نتایج و انتشار یافته‌ها.

در طول ویرایش دوم، هدف ما پرداختن مؤثرتر به ۱۲ موضوع بنیادی در پژوهش ترکیبی است که در ویرایش اول توصیف شده‌اند:

۱. اصطلاح‌شناسی و تعاریف بنیادی به کار رفته در پژوهش ترکیبی: فصل‌های ۱ و ۲
۲. کاربرد روش‌های ترکیبی (چرا ما از این روش استفاده می‌کنیم): فصل‌های ۱ و ۲
۳. مبانی پارادایمی و فلسفی پژوهش ترکیبی: فصل ۳
۴. سؤالات پژوهشی در پژوهش ترکیبی: فصل ۴
۵. مسائل مربوط به طراحی در پژوهش ترکیبی: فصل ۵
۶. مسائل مربوط به نمونه‌گیری در پژوهش ترکیبی: فصل ۶
۷. مسائل مربوط به گردآوری داده‌ها در پژوهش ترکیبی: فصل‌های ۷ (ملاحظات پیش از گردآوری داده‌ها) و ۸ (گردآوری داده‌ها)
۸. تحلیل داده‌های پژوهش ترکیبی: فصل ۹
۹. مسائل مربوط به برداشت‌های استنباطی در پژوهش ترکیبی: فصل ۱۰
۱۰. شناسایی و ارائه نمونه‌های پژوهش ترکیبی: در سراسر کتاب، به‌ویژه در فصل‌های ۴ تا ۱۱ و در ضمیمه
۱۱. نوشتن و انتشار پژوهش‌های با روش‌های ترکیبی: فصل ۱۱
۱۲. آموزش و یادگیری روش‌های ترکیبی: فصل ۱۱

در طول ویرایش دوم، به‌ویژه در فصل‌های ۱۰ و ۱۱، برخی از تأملات و نگرانی‌های خود را در مورد وضعیت فعلی روش‌شناسی در حوزه‌های پژوهش اجتماعی، رفتاری، سلامت و آموزش با خواننده به اشتراک می‌گذاریم. این مباحث شامل دغدغه‌های سیاسی، اصول و رهنمودهای انجام و انتشار پژوهش‌های ترکیبی و موضوعات آموزشی می‌شود. از آنجا که این کتاب در جایگاه کتاب درسی قرار دارد، ابزارهای آموزشی متعددی مانند خلاصه محتوا و اهداف در ابتدای هر فصل، خلاصه و مرور فصل‌ها در انتهای هر فصل، واژگان کلیدی و واژه‌نامه، سؤالات و تمرین‌های مروری را در نظر گرفته‌ایم. همچنین یک مطالعه نمونه را در ضمیمه متن آورده‌ایم. تعدادی از سؤالات مروری به این ضمیمه مرتبط هستند. افزون بر این، ما ارجاعات و واژه‌نامه را به طور قابل توجهی روزآمد کرده‌ایم. در سراسر متن، کلمات مهم را در اولین باری که در یک فصل ظاهر می‌شوند، برجسته کرده‌ایم. همچنین از کلمات ایتالیک (با حروف کج) برای موارد زیر استفاده کرده‌ایم: (۱) کلمه مهم جدید در فصل جاری که به مثابه واژه کلیدی تعیین نشده است، (۲) کلمات یا عبارت‌هایی که برای تأکید برجسته شده‌اند، یا (۳) کلماتی که در نقش اصطلاح به آنها اشاره می‌شود (برای

مثال، اصطلاح پژوهش چندروشی).

واژه‌نامه بیش از ۲۴۰ اصطلاح مرتبط با روش‌های ترکیبی، از جمله اصطلاحات ضروری کیفی و کمی را ارائه می‌دهد. برخی از تعاریف این واژه‌نامه از کتاب‌های قبلی ما گرفته شده است، برخی دیگر با الهام از نویسندگانی که در حال حاضر در مورد روش‌های ترکیبی می‌نویسند، و برخی دیگر نیز اصیل و مربوط به تفسیرها، تجزیه و تحلیل‌ها و چارچوب‌های استنتاجی ما هستند.

ما در حین نگارش کتاب مبانی چند ویراستار داشتیم، از جمله سی. دبورا لوتون که به ما در مفهوم‌سازی ویرایش اول کتاب کمک کرد؛ ویکی نایت که پیشنهاد ویرایش دوم را داد؛ و لیا فارگوتستین که به طور قابل توجهی تکمیل آن را تسهیل کرد. ویراستار عالی متن برای ویرایش دوم، کریستینا وست بود. تیم عالی انتشارات سیج شامل چلسی نیو و اندرو اولسون بود و از همه آنها برای تمام مشارکت‌هایشان سپاسگزاریم. همچنین از داوران ناشناس که نظرات آنان کتاب را تقویت کرد و بسیاری از همکاران و دانشجویان دیگر که به صورت غیررسمی بازخورد به ما ارائه دادند، قدردانی می‌کنیم.

بسیاری از دانشجویان فعلی و سابق ما در طول سال‌ها این کتاب (و یادگیری خود ما) را غنی کرده‌اند. ما می‌خواهیم به طور ویژه از اعضای جامعه پژوهشی روش‌های ترکیبی که بسیاری از مفاهیمی که مبانی را زنده می‌کند، در اختیار ما قرار داده‌اند، تشکر کنیم.

یک نکته پایانی - ما بابت استفاده بسیار زیاد از اصطلاحات کیفی و کمی در این کتاب عذرخواهی می‌کنیم، به خصوص به این دلیل که معتقدیم بین این اصطلاحات، دوگانگی وجود ندارد بلکه یک پیوستار است. ما از این اصطلاحات در بسیاری از مباحث این کتاب به منزله نماینده انواع متنوع و پیچیده‌ای از مفاهیم، سازه‌ها، فنون، ایدئولوژی‌ها و لنزهای سیاسی/شخصی و حتی ابزارهای بازاریابی استفاده کرده‌ایم. اگرچه گاهی از این اصطلاحات به مثابه نوعی دوگانگی مصنوعی استفاده می‌کنیم، اما سعی می‌کنیم نشان دهیم که آنها نماینده موقعیت‌ها در امتداد ابعاد متعدد هستند که هر کدام شامل یک پیوستار است. شاید در حال حاضر به دلایل آموزشی به این اصطلاحات نیاز داشته باشیم، اما پژوهش‌های با روش‌های ترکیبی گام بلندی به جلو برخواهند داشت، زمانی که دیگر این اصطلاحات نوشته‌های ما را تحت تأثیر قرار ندهند.

برای دسترسی به منابع دیجیتالی همراه با این کتاب به وبگاه www.sagepub.com مراجعه نمایید.

سپاس گزاری ناشر

ناشر با قدردانی از مشارکت داوران ناشناس، از داوران زیر نیز تشکر می کند:

تهام چو - دانشگاه شمال جورجیا
جوزف جی. گالو - دانشگاه پنسیلوانیا
لیدیا کی-بلانکسون - دانشگاه ایالتی ایلینوی
ناتالیا ایوانکوا - دانشگاه آلاباما در بیرمنگام
تینا ماسچی - دانشکده تحصیلات تکمیلی مددکاری اجتماعی دانشگاه فوردھام
کورتنی مک کیم - دانشگاه وایومینگ
ارین پیترز-برتون - دانشگاه جرج میسون
شنای پورزر - دانشگاه پوردو
ریچارد راجرز - دانشگاه ایالتی کلمبوس
د. سامونز - دانشگاه ایالتی آیداهو
داگلاس استورجن - دانشگاه ایالتی شاونی
زوزانا ووگل - دانشگاه وین
یپینگ وان - کالج منهتنویل

درباره نویسندگان

عباس تشکری (دکترای روان‌شناسی اجتماعی، دانشگاه کارولینای شمالی در چپل هیل) استاد روش‌شناسی پژوهش و ارزشیابی در دانشگاه شمال تگزاس و استاد برجسته پیشین روش‌شناسی پژوهش و ارزشیابی در دانشگاه بین‌المللی فلوریدا است. رهبری حرفه‌ای او در دهه گذشته شامل ریاست دانشکده روان‌شناسی تربیتی در دانشگاه شمال تگزاس بوده است. او همکار پسادکتر مرکز جمعیت کارولینا و دانشگاه کارولینای شمالی در چپل هیل، پژوهشگر مهمان در دانشگاه A&M تگزاس و رئیس دانشکده و معاون دانشکده در دانشگاه بین‌المللی فلوریدا بوده است. او چهار دهه روان‌شناسی اجتماعی و روش‌شناسی پژوهش را در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه شیراز (ایران)، دانشگاه استتسون، دانشگاه ایالتی لوئیزیانا، دانشگاه بین‌المللی فلوریدا و دانشگاه شمال تگزاس تدریس کرده است. او تجربه گسترده‌ای در مقام ارزیاب برنامه دارد و سردبیر مؤسس (به همراه جان کرسول) مجله پژوهشی روش‌های ترکیبی است. افزون بر کتاب‌ها، فصل‌های کتاب و مقاله‌های مربوط به روش‌شناسی پژوهش تلفیقی، آثار منتشر شده او طیف وسیعی از پژوهش و ارزشیابی برنامه در زمینه‌های بین‌فرهنگی و چندفرهنگی، از جمله خودپنداره‌ها، نگرش‌ها و جنسیت/قومیت را در بر می‌گیرد.

آر. بورک جانسون (دکترای دانشکده تحصیلات تکمیلی، دانشگاه جورجیا) استاد دانشکده مشاوره و علوم تربیتی در دانشگاه جنوب آلاباما است. او همچنین دارای مدارک تحصیلی تکمیلی در روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و سیاست‌گذاری/مدیریت عمومی است که به او یک دیدگاه چندرشته‌ای در مورد روش‌شناسی پژوهش می‌دهد. او آثاری را در مجله‌هایی مانند پژوهشگری آموزشی، برنامه‌ریزی و ارزشیابی، بررسی ارزشیابی، مجله پژوهشی روش‌های ترکیبی، مجله روان‌شناسی تربیتی، و کمی و کیفی منتشر کرده است. او در حال حاضر سردبیر مشترک مجله بین‌المللی رویکردهای پژوهشی چندانگانه (<https://ijmra.org/>) است. او سردبیر مهمان برای یک شماره ویژه از پژوهش در مدارس و یک شماره ویژه از دانشمند رفتاری آمریکایی بود که هر دو بر پژوهش‌های با روش‌های ترکیبی تمرکز داشتند. او عضویت هیأت تحریریه پژوهشگر آموزشی را داشت و سردبیر همکار مجله پژوهشی روش‌های ترکیبی بود. بورک نویسنده/سردبیر مشترک کتاب‌های زیر است: پژوهش‌های تربیتی: رویکردهای کمی، کیفی و ترکیبی (در حال حاضر در چاپ هفتم، سیچ؛ ۲۰۲۰)؛ روش‌های پژوهش، طرح و تحلیل (در حال حاضر در چاپ سیزدهم با کریستنسن و ترنر،

پیرسون، ۲۰۲۰)؛ فرهنگ واژگان سیج در آمار و روش‌شناسی: یک راهنمای غیرفنی برای علوم اجتماعی (در حال حاضر در چاپ پنجم با ووگت؛ سیج، ۲۰۱۶)؛ راهنمای آکسفورد در پرسشگری پژوهش چندروشی و روش‌های ترکیبی (با Hesse-Biber، انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۲۰۱۵)؛ روان‌شناسی پیش‌برد صلح (با انجوکو و جیسون، اسپرینگر، ۲۰۱۹)؛ و راهنمای داور برای تجزیه و تحلیل پژوهش‌های با روش‌های ترکیبی (با اونوگویزی، روتلج، ۲۰۲۱). بورک مدیر اجرایی پیشین انجمن بین‌المللی پژوهش ترکیبی (MMIRA) بوده است. (<https://mmira.wildapricot.org/>)

چارلز تدلی (دکترای روان‌شناسی اجتماعی، دانشگاه کارولینای شمالی در چپل هیل) استاد برجسته پیشین (جو ال لوی یتس) دانشکده تعلیم و تربیت در دانشگاه ایالتی لوئیزیانا است. او همچنین در دانشگاه نیواورلئان تدریس کرده و استاد مهمان در دانشگاه نیوکاسل (بریتانیا) و دانشگاه اکستر (بریتانیا) بوده است. وی همچنین در جایگاه معاون دستیار پژوهش و توسعه در اداره آموزش ایالتی لوئیزیانا خدمت کرده است. او در چند مطالعه پژوهشی با روش‌های ترکیبی، از جمله مطالعه اثربخشی مدارس لوئیزیانا و پروژه بین‌المللی پژوهش‌های اثربخشی مدارس، در جایگاه پژوهشگر حضور داشته است. علایق اصلی نوشتاری او روش‌شناسی پژوهش در علوم اجتماعی و پژوهش‌های اثربخشی مدارس است. پروفیسور تدلی به مدت ۲۵ سال دوره‌های روش‌های پژوهش از جمله آمار، روش‌های کیفی و روش‌های ترکیبی را تدریس کرده است. او از دانشکده آموزش و پرورش دانشگاه ایالتی لوئیزیانا جایزه تدریس برتر را دریافت کرده است. او نویسنده فصول و مقاله‌های متعدد و ۱۲ کتاب از جمله مدارس تفاوت ایجاد می‌کنند: درس‌های آموخته شده از یک مطالعه ده ساله در مورد اثرات مدرسه (۱۹۹۳، به همراه سم استرینگفیلد)، راهنمای بین‌المللی پژوهش‌های اثربخشی مدارس (۲۰۰۰، به همراه دیوید رینولدز)، دست‌نامه روش‌های ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری (۲۰۰۳، به همراه عباس تشکری) و راهنمای سیج برای روش‌های ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری (۲۰۱۰، به همراه عباس تشکری) است.

روش‌های ترکیبی

سومین جنبش روش‌شناسی



روش‌های ترکیبی به‌منزلهٔ سومین جامعهٔ پژوهشی

اهداف

پس از مطالعهٔ این فصل، باید بتوانید:

- مفهوم پارادایم از دیدگاه کوهن و مفهوم جامعهٔ پژوهشی را توضیح دهید.
- بین سه جامعهٔ پژوهشی در علوم اجتماعی و رفتاری (روش‌شناسان کیفی‌گرا، روش‌شناسان کمی‌گرا و روش‌شناسان روش‌های ترکیبی) تمایز قائل شوید.
- تفاوت‌های رویکرد پژوهشگران سه جامعهٔ روش‌شناختی به یک مسألهٔ پژوهشی را توضیح دهید.
- مناظرهٔ پارادایم‌ها را با استفاده از مفاهیم تز ناسازگاری و تز سازگاری شرح دهید.
- موضوع همزیستی بین سه جامعهٔ پژوهشی را مورد بحث قرار دهید.
- بین روش‌شناسی، روش‌ها و پارادایم تفاوت قائل شوید.
- مراحل چرخهٔ پژوهش (چرخهٔ پژوهش استقرایی - استنتاجی) را شناسایی کنید.

پژوهش ترکیبی با عناوین مختلفی از جمله سومین جنبش روش‌شناختی (تدلی و تسکری، ۲۰۰۳)، مسیر سوم (گورارد و تیلور، ۲۰۰۴) و سومین الگوی پژوهشی (جانسون و اونوگوبوزی، ۲۰۰۴) و عناوین مشابه دیگر توسط افراد مختلف در این حوزه شناخته شده است. در این کتاب، ما به دلیل تمرکز بر روابطی که در درون و میان سه گروه اصلی پژوهشگرانی که در حال حاضر در علوم اجتماعی و رفتاری به پژوهش مشغول‌اند، وجود

دارد، پژوهش ترکیبی^۱ (MM) را به منزله سومین جامعه پژوهشی در نظر می‌گیریم. اگر چه ترکیب روش‌های کیفی و کمی سابقه‌ای طولانی دارد (جانسون و گری، ۲۰۱۰؛ مکسول، ۲۰۱۹)، پژوهش ترکیبی در جایگاه یک روش‌شناسی صریح در اواخر قرن بیستم به مثابه جایگزینی برای دوگانگی سنت‌های کیفی (QUAL) و کمی (QUAN) ظهور کرد. این کتاب بر روش‌های ترکیبی (MM) تمرکز دارد، اما ظهور آن باید در چارچوب دو پسر عمومی قدیمی‌تر آن مورد بررسی قرار گیرد. در این کتاب، ما به سنت‌ها، رویکردها، روش‌شناسی‌ها و موارد مشابه کمی و کیفی فقط برای اهداف آموزشی و بحث اشاره می‌کنیم. همان‌طور که در بخش مربوط به پیوستار چندبعدی در فصل ۲ به طور مفصل بحث خواهیم کرد، تقریباً هر پروژه پژوهشی دارای عناصر رویکردهای کیفی و کمی در یکی از اجزای خود (مثلاً سؤال، گردآوری داده‌ها، داده‌ها، تجزیه و تحلیل، تفسیر و غیره) است. بنابراین، ما معتقد نیستیم که خطوط مشخصی رویکردهای کیفی و کمی به پژوهش را از هم جدا کند و هر مطالعه پژوهشی را در یک سطح و درجه‌ای به یک مطالعه ترکیبی تبدیل کند. این فصل چهار هدف دارد: (۱) معرفی مختصر سه جامعه پژوهشی در علوم اجتماعی و رفتاری، (۲) نشان دادن چگونگی رسیدگی متفاوت سه جهت‌گیری پژوهشی به یک مسئله پژوهشی مشابه، (۳) بحث مختصر در مورد مسائل مربوط به تعارض و توافق بین سه جامعه، و (۴) بحث در مورد شباهت‌ها و تفاوت‌های بین سه جامعه بر اساس نحوه ورود آنها به چرخه پژوهش (چرخه پژوهش استقرایی - استنتاجی).

سه جامعه پژوهشی در علوم اجتماعی و رفتاری

توضیحات پایه‌ای سه جنبش روش‌شناختی

به طور کلی، پژوهشگران در علوم اجتماعی و رفتاری را می‌توان به سه گروه طبقه‌بندی کرد:

- دانشمندان علوم اجتماعی و رفتاری با گرایش کمی (QUANs): عمدتاً در چارچوب پارادایم پس‌اثبات‌گرایی/اثبات‌گرایی کار می‌کنند و به طور عمده به داده‌ها و تحلیل‌های عددی علاقه‌مند هستند.
- دانشمندان علوم اجتماعی و رفتاری با گرایش کیفی (QUALs): عمدتاً در چارچوب پارادایم برساخت‌گرایی کار می‌کنند و به طور عمده به داده‌ها و تحلیل‌های روایی علاقه‌مند هستند.
- پژوهشگرانی که اهمیت هر دو گرایش QUAN (کمی) و QUAL (کیفی) را درک می‌کنند: این پژوهشگران روش‌های ترکیبی عمدتاً در چارچوب پارادایم پراگماتیستی کار می‌کنند.

این سه جنبش روش‌شناختی مانند جوامعی هستند که اعضای هر گروه تمایل دارند

زمینه‌های مشابه، مفروضه‌های فلسفی، جهت‌گیری‌های روش‌شناختی و ایده‌ها و شیوه‌های پژوهشی مشترکی داشته باشند. نمونه‌هایی از برخی تفاوت‌های اساسی فکری و فرهنگی بین این پژوهشگران، نحوهٔ آموزش آنها، انواع برنامه‌های پژوهشی که دنبال می‌کنند و انواع سازمان‌های حرفه‌ای و گروه‌های بهره‌ور خاصی است که به آنها تعلق دارند. این تفاوت‌های گروهی به حس تمایز جامعه برای هر گروه کمک می‌کند. با این حال، ذکر این نکته مهم است که همیشه برخی تفاوت‌های درون‌گروهی وجود خواهد داشت. توماس کوهن (۱۹۷۰) جوامع علمی را به شرح زیر توصیف کرد:

دانشمندان بر اساس مدل‌هایی کار می‌کنند که از طریق آموزش و از طریق مواجههٔ بعدی با نوشته‌ها به دست آمده‌اند، اغلب بدون اینکه کاملاً بدانند یا نیاز داشته باشند که بدانند چه ویژگی‌هایی به این مدل‌ها وضعیت پارادایم‌های جامعه را داده است. (ص ۴۶)

این سه جامعهٔ روش‌شناختی در سراسر علوم اجتماعی و رفتاری مشهود هستند و به شیوه‌های جالب و گاه غیرقابل پیش‌بینی در حال تکامل هستند. چندین اصطلاح به طور خلاصه در فصل ۱ معرفی شده و سپس در ادامهٔ این کتاب با جزئیات بیشتری ارائه می‌شوند. از آنجا که در کل فصل ۱ به پارادایم‌ها اشاره شده، یک پارادایم (برای مثال، پسااثبات‌گرایی، برساخت‌گرایی، پراگماتیسم) را می‌توان به منزلهٔ نوعی جهان‌بینی تعریف کرد که شامل مجموعه‌ای از مفروضه‌ها و باورهای فلسفی و روش‌شناختی است. هر یک از سه جامعهٔ پژوهشگران در علوم اجتماعی و رفتاری با یک یا چند پارادایم غالب مرتبط بوده‌اند.

سنت کمی: اصطلاحات پایه و دو نمونهٔ اولیه

روش‌شناسی کمی و پارادایم اثبات‌گرایی/پسااثبات‌گرایی مرتبط با آن، برای بخش اعظمی از قرن بیستم جهت‌گیری روش‌شناختی غالب و نسبتاً بدون چالش در علوم اجتماعی و رفتاری بود. **روش‌های کمی** را می‌توان به ساده‌ترین و مختصرترین شکل، به مثابهٔ فنونی تعریف کرد که با گردآوری، تحلیل، تفسیر و ارائه داده‌ها و اطلاعات عددی (یا تبدیل شده به عددی) مرتبط هستند.

پژوهشگران کمی در ابتدا به اصول **اثبات‌گرایی** پایبند بودند - دیدگاهی که بر این باور است که «پژوهش اجتماعی باید روش علمی را اتخاذ کند، این روش در کار فیزیک‌دانان مدرن، نمونه است و شامل آزمایش دقیق فرضیه‌ها به وسیله داده‌هایی است که به صورت اندازه‌گیری‌های کمی درمی‌آیند» (اتکینسون و همزلی، ۱۹۹۴، ص ۲۵۱). **پسااثبات‌گرایی** شکل جدیدتر، اصلاح‌شده و بهبودیافتهٔ اثبات‌گرایی است که به بسیاری از انتقادهای شناخته‌شده‌تر جهت‌گیری اثبات‌گرایی می‌پردازد، اما همچنان بر روش‌های کمی (فیلپس و بربلز، ۲۰۰۰) تأکید دارد. برای مثال، موضع اصلی اثبات‌گرایان این بود که پژوهش‌های علمی کاملاً عینی و عاری از ارزش هستند. اثبات‌گرایان فرض می‌کردند که پژوهشگران می‌توانند بدون تأثیر ارزش‌های خود به انجام پژوهش و تفسیر نتایج بپردازند. از سوی دیگر،

پسائاثبات‌گرایان اذعان دارند که نظام‌های ارزشی آنها نقش مهمی در نحوه انجام پژوهش و تفسیر نتایج آن ایفا می‌کند (برای مثال، فیلیپس و بربلز، ۲۰۰۰). تقریباً تمام پژوهش‌های کمی کنونی در علوم اجتماعی و رفتاری، به جای سلف اثبات‌گرایی خود، ریشه در دیدگاه پسائاثبات‌گرایی دارد (جانسون، ۲۰۰۹). امروزه در علوم اجتماعی و رفتاری، تعداد کمی از پژوهشگران کمی در پارادایم قدیمی اثبات‌گرایی جای می‌گیرند.

سؤالات پژوهشی، پژوهش‌ها را هدایت می‌کنند و به جنبه‌های ناشناخته یک پدیده مورد علاقه مربوط هستند. پاسخ به سؤالات پژوهشی کمی بر اساس داده‌های عددی است. **فرضیه پژوهشی**، پاسخی پیش‌بینی‌شده به یک سؤال پژوهشی است. قبل از اینکه پژوهشگران یک مطالعه پژوهشی را انجام دهند، پیش‌بینی‌هایی در مورد روابط بین پدیده‌های اجتماعی انجام می‌دهند (یعنی تدوین فرضیه‌ها). این پیش‌بینی‌ها بر اساس نظریه، پژوهش‌های قبلی یا منطق‌های دیگری صورت می‌گیرد. پس از اینکه پژوهشگران داده‌های تجربی پژوهش را گردآوری و تحلیل می‌کنند، تعیین می‌کنند که آیا فرضیه مورد تایید قرار گرفته است یا خیر. **تحلیل داده‌های کمی (آمار)**، تحلیل داده‌های عددی با استفاده از فوننی است که شامل (۱) توصیف ساده پدیده مورد علاقه یا (۲) جست‌وجوی تفاوت بین گروه‌ها یا روابط بین متغیرها است.

جامعه کمی (QUAN) توسط مجموعه‌ای از متون کلاسیک هدایت می‌شود، از جمله آثار سه‌گانه‌ای از دونالد تی. کمپبل و همکارانش که هسته منطقی این سنت را تشکیل می‌دهند (برای مثال، کمپبل و استنلی، ۱۹۶۳؛ کوک و کمپبل، ۱۹۷۹). سومین کتاب این مجموعه، طرح‌های آزمایشی و شبه‌آزمایشی برای استنتاج علی تعمیم‌یافته (شیدیش، کوک و کمپبل، ۲۰۰۲)، در قرن بیست و یکم منتشر شد و به‌طور مؤثری سنت کمی را به‌روزرسانی کرد. کادرهای ۱.۱ و ۱.۲ حاوی توصیف‌هایی از دو پژوهشگر نمونه به نام‌های پروفسور آزمایش‌گرا و پروفسور عددی هستند که اعضای جامعه پژوهشگران کمی تلقی می‌شوند. ما در اینجا دو نمونه اولیه از کمی‌ها را ارائه می‌کنیم زیرا تفاوت‌های عمده‌ای بین پژوهشگران تجربی (پروفسور آزمایش‌گرا) و پژوهشگرانی که عمدتاً با داده‌های غیرتجربی مانند نظرسنجی‌ها، پژوهش‌های توسعه‌ای و سایر طرح‌های توصیفی و همبستگی/پیش‌بینی کمی کار می‌کنند (پروفسور عددی) وجود دارد. ما نمی‌خواهیم این تصور را القا کنیم که همه کمی‌ها تجربه‌گرا هستند.

سنت کیفی: اصطلاحات پایه و یک نمونه اولیه

پژوهشگران و نظریه‌پردازان کیفی در ربع پایانی قرن بیستم چندین کتاب معروف نوشتند. این نویسندگان رویکرد اثبات‌گرایی را به شدت مورد انتقاد قرار دادند و روش‌های جایگزین کیفی متنوعی را پیشنهاد دادند. نقدهای آنان بر اثبات‌گرایی، که با لحنی تحقیرآمیز آن را سنت

۱.۱ کادر

پژوهشگر نمونهٔ کمی ۱: پروفیسور آزمایش‌گرا

پروفیسور آزمایش‌گرا در دانشکدهٔ روان‌شناسی دانشگاه فلگشیب مشغول به کار است. او پژوهش‌های خودش را در آزمایشگاه‌های تالار ثورندایک انجام می‌دهد و شرکت‌کنندگان در پژوهش او دانشجویان سال اول و دوم هستند. پروفیسور آزمایش‌گرا در حوزه‌ای به نام نظریهٔ اسناد کار می‌کند و برای پی بردن به آخرین یافته‌های این حوزه، مجله‌های جدید را مطالعه می‌کند. او از مدل فرضیه‌ای-استنتاجی (که در فصل‌های ۲ و ۴ توضیح داده می‌شود) استفاده می‌کند و بر اساس نظریهٔ XYZ اسمیت (و نه نظریهٔ ABC جونز) فرضیه‌های پیشینی خودش را تدوین می‌کند. پروفیسور آزمایش‌گرا فرض می‌کند که گروه آزمایش او نسبت به گروه کنترل، پاسخ بهتری به سؤالات بسته‌شدهٔ یک پرسش‌نامه که برای اندازه‌گیری متغیرهای وابستهٔ مورد نظر طراحی شده، نشان خواهند داد. او به همراه همکارش، دکتر استنتاجی، که به خاطر مهارتش در شناسایی نتایج آماری معنادار شناخته می‌شود، فرضیه‌ها را با استفاده از تحلیل‌های آماری مورد آزمون قرار می‌دهد.

۱.۲ کادر

پژوهشگر نمونهٔ کمی ۲: پروفیسور عددی

پروفیسور عددی یک جامعه‌شناس پزشکی در دانشگاه فلگشیب است. او معمولاً برای گردآوری داده‌های پژوهشی خود از پرسش‌نامه‌ها و مصاحبه‌های تلفنی استفاده می‌کند. شرکت‌کنندگان در مطالعات او نوجوانان و جوانان بزرگسال هستند. پژوهش‌های پروفیسور عددی بر پیش‌بینی رفتارهای پرخطری که ممکن است موجب ابتلا به ایدز شود، متمرکز است. یکی از علایق پژوهشی او سنجش کفایت سه نظریه برای پیش‌بینی رفتار است: نظریهٔ رفتار منطقی، نظریهٔ رفتار برنامه‌ریزی شده و مدل باور بهداشتی. پروفیسور عددی فرض می‌کند که مدل باور بهداشتی نسبت به دو نظریهٔ دیگر، رفتارهای پرخطر جوانان بزرگسال را با دقت بیشتری پیش‌بینی می‌کند. او برای پیش‌بینی رفتارهای شرکت‌کنندگان بر اساس تعدادی از عوامل بالقوهٔ مهم، از روش‌های آماری پیچیده استفاده می‌کند.

پذیرفته‌شده می‌نامیدند، به تثبیت پژوهش کیفی به مثابهٔ جایگزینی کارآمد برای پژوهش کمی کمک کرد.

روش‌های کیفی را به ساده‌ترین و مختصرترین شکل می‌توان مجموعه‌ای از فنون مرتبط با گردآوری، تحلیل، تفسیر و ارائه اطلاعات روایتی تعریف کرد که مشارکت‌کنندگان با کلمات خودشان و در پاسخ به سؤالات بازپاسخ ارائه می‌دهند.

بسیاری از پژوهشگران کیفی به جهان‌بینی‌ای به نام برساخت‌گرایی^۱ و شاخه‌های آن گرایش دارند (برای مثال، گوبا، ۱۹۹۰؛ لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵؛ ماکسی، ۲۰۰۳). برساخت‌گرایان بر این باورند که پژوهشگران به صورت فردی و جمعی، معنای پدیده تحت بررسی را می‌سازند. افزون بر برساخت‌گرایی سنتی (برای مثال، برگر و لوکمان، ۱۹۶۷) و شاخه‌های

آن، دیدگاه‌ها یا سنت‌های دیگری (برای مثال، برساخت‌گرایی انتقادی) نیز با پژوهش کیفی مرتبط هستند. برساخت‌گرایی انتقادی، سیاست نظریه انتقادی را به آن می‌افزاید (یعنی می‌خواهد تبعیض و نابرابری‌ها را از بین ببرد)؛ این نوع برساخت‌گرایی به طور معمول توسط پژوهشگرانی به کار گرفته می‌شود که در پنج نسخه از کتاب راهنمای معروف پژوهش کیفی سیج مشارکت داشته‌اند، که اولین نسخه آن در سال ۱۹۹۴ (دنزین و لینکلن، ۱۹۹۴) و آخرین نسخه در سال ۲۰۱۸ (دنزین و لینکلن، ۲۰۱۸) منتشر شده است.

پاسخ‌ها به سؤالات پژوهش کیفی به صورت روایت هستند. **تحلیل داده‌های کیفی (مضمونی)**، تحلیل داده‌های روایتی با استفاده از طیف وسیعی از فنون استقرایی و تکرارشونده، از جمله راهبردهای دسته‌بندی و زمینه‌سازی (کل‌نگر)، است. **استدلال یا منطق استقرایی** شامل حرکت از خاص به عام است، که نحوه تحلیل استقرایی نیز به همین شکل است: پژوهشگر به کمک مجموعه‌ای از داده‌ها، یک نظریه را از موارد خاص استخراج می‌کند. مرحله اول تحلیل داده‌های کیفی معمولاً منجر به شناسایی تم‌ها (مضمون‌ها) می‌شود و مرحله دوم تحلیل به دنبال روابط پیچیده درون داده‌ها است (بازلی، ۲۰۱۳؛ مایلز، هوبرمن و سالدانا، ۲۰۲۰). برای سادگی، **تحلیل داده‌های کیفی گاهی تحلیل تماتیک** یا تحلیل مضمون نیز نامیده می‌شود.

جامعه کیفی همچنین دارای متون کلاسیک متنوعی است، از جمله آثار گلاس و استروس (۱۹۶۷)، لینکلن و گوبا (۱۹۸۵)، مایلز و هوبرمن (۱۹۸۴، ۱۹۹۴)، پاتون (۱۹۹۰، ۲۰۰۲، ۲۰۱۵)، استیک (۱۹۹۵) و وولکوت (۱۹۹۴). پنج نسخه از کتاب راهنمای پژوهش کیفی سیج (دنزین و لینکلن، ۱۹۹۴، ۲۰۰۰، ۲۰۰۵a، ۲۰۱۱، ۲۰۱۸) از محبوبیت زیادی برخوردار بوده و می‌توان آنها را متون اصلی برای رویکرد برساخت‌گرا/کیفی در نظر گرفت. کادر ۱.۳ شامل شرحی از یک پژوهشگر نمونه‌ای کیفی به نام پروفیسور هولستیکو است که عضو جامعه پژوهش کیفی است.

کادر ۱.۳

پژوهشگر نمونه کیفی: پروفیسور هولستیکو

پروفیسور هولستیکو در دانشکده انسان‌شناسی دانشگاه فلگشپ به کار است. او پژوهش خود را درباره اعضای زن گروه‌های خلافت‌کار در دبیرستان‌های دولتی سراسر ایالت انجام می‌دهد. پروفیسور هولستیکو در حال توسعه نظریه‌ای برای توضیح رفتارهای این افراد است که برخی از آنها را طی دو سال گردآوری داده‌های قوم‌نگاری به خوبی شناخته است. ایجاد روابط مبتنی بر اعتماد با این زنان جوان زمان‌بر بود، و او باید برای حفظ اعتماد آنان احتیاط کند. او حجم زیادی از داده‌های روایتی را گردآوری کرده است، که اکنون به طور مکرر آنها را می‌خواند تا به تم‌های در حال ظهور پی ببرد. او تجربیات خود را با همکارش، پروفیسور ایندوکتیوا، که به خاطر توانایی‌های تحلیلی قوی و استفاده از استعاره‌های جذاب شناخته می‌شود، در میان می‌گذارد. برای بررسی اعتبار نتایجش، پروفیسور هولستیکو آنها را در روندی به نام واریسی توسط اعضا به اعضای گروه‌های خلافت‌کار ارائه خواهد داد.

سنت روش‌های ترکیبی: اصطلاحات پایه و یک نمونه اولیه

در مقایسه با سنت‌های کمی یا کیفی، سنت روش‌های ترکیبی (MM) شاید کمتر شناخته شده باشد، زیرا به طور رسمی به منزله یک رویکرد مجزا، اخیراً پدیدار شده است. در دو دهه پایانی قرن بیستم، روش‌شناسان ترکیبی، با اذعان به مفید بودن هر دو روش کمی و کیفی، و با طرفداری استفاده از هر ابزار روش‌شناختی که برای پاسخ به سؤالات پژوهشی مورد نیاز است، جایگزینی برای دوگانگی کمی و کیفی ارائه کردند. در حقیقت، در طول قرن بیستم، دانشمندان علوم اجتماعی و رفتاری اغلب از روش‌های ترکیبی در مطالعات خودشان استفاده می‌کردند و همان‌طور که در منابع متعددی آمده است (برای مثال، بروئر و هانتز، ۱۹۸۹، ۲۰۰۶؛ گرین، کاراچلی و گراهام، ۱۹۸۹؛ ماکسول و لومیس، ۲۰۰۳؛ تشکری و تدلی، ۲۰۰۳ الف) در قرن بیست و یکم نیز این رویه به طور گسترده‌تری ادامه یافته است. همان‌طور که اسمال (۲۰۱۱) می‌گوید:

ناخرسندی، خلاقیت را پرورش می‌دهد. پژوهشگران تجربی از محدودیت‌های طبیعی روش‌های متعارف ناراضی بوده‌اند، از جمله آزمایش‌هایی که سازوکارها را آشکار نمی‌کنند، مطالعات موردی که در مورد توزیع صحبت نمی‌کنند، فنون تفسیری که فاقد رسمی‌سازی هستند و فنون آماری که فاقد زمینه‌سازی هستند. تلاش‌های آنان منجر به ایجاد ادبیات گسترده و متنوعی شده است که فنون گردآوری داده یا رویکردهای تحلیلی را از چندین دیدگاه مختلف ترکیب یا تلفیق می‌کند. این ادبیات، که از جهات زیادی هنوز در ابتدای راه است، احتمالاً نیاز به بررسی بیشتر سؤالات روش‌شناختی در راستای ایجاد گفت‌وگوی بیشتر با رویکردهای روش‌شناختی سنتی دارد، کاری که مستلزم غلبه بر چالش‌های ناشی از هم‌سنجشی و تخصص است... پروژه‌های روش‌های ترکیبی هم برای پژوهشگران فرصت و هم چالش ایجاد می‌کنند تا بتوانند برخی از ابهاماتی را که ناشی از کثرت‌گرایی است، حل کرده و موضع‌گیری‌های منطقی اتخاذ کنند، برای مثال، در مورد رویکرد صحیح برای دنبال کردن یک نظرسنجی با ۴۰ مصاحبه. اینکه آیا پژوهشگران این کار را انتخاب خواهند کرد یا نه، هنوز مشخص نیست. (ص ۷۹)

پژوهش ترکیبی به مثابه «نوعی طرح پژوهشی که در آن رویکردهای کیفی و کمی در انواع سؤالات، روش‌های پژوهشی، روش‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها و استنتاج‌ها به کار می‌رود» تعریف شده است (تشکری و تدلی، ۲۰۰۳، ص ۷۱۱). تعریف دیگر در اولین شماره نشریه پژوهشی روش‌های ترکیبی ارائه شد، که در آن پژوهش MM به منزله «پژوهشی تعریف شد که در آن پژوهشگر داده‌ها را با رویکردها یا روش‌های کیفی و کمی گردآوری و تحلیل می‌کند، یافته‌ها را تلفیق می‌کند و با استفاده از هر دو رویکرد در یک مطالعه یا برنامه پژوهشی واحد، استنتاج‌هایی را به دست می‌آورد» (تشکری و کرسول، ۲۰۰۷، ص ۴). در این متن، تعریف MM را به مطالعات منفرد با رشته‌های متعدد (کیفی و کمی) محدود می‌کنیم که همگی به یک سؤال کلی MM (سؤال پژوهشی یکپارچه، که در فصل ۴ مورد بحث قرار گرفته است) می‌پردازند. برخی از روش‌شناسان ترکیبی مجموعه‌ای از مطالعات مجزای

مرتبط با یافته‌های تلفیق‌شده در انتها را نیز در MM جای می‌دهند (جانسون، اونوگوبوزی و ترنر، ۲۰۰۷).

جهت‌گیری فلسفی که بیشتر با MM مرتبط است، پراگماتیسم است (برای مثال، بیستا و بریلز، ۲۰۰۳؛ برایمن، b۲۰۰۶؛ جانسون و اونوگوبوزی، ۲۰۰۴؛ ماکسی، ۲۰۰۳؛ مورگان، ۲۰۰۷؛ تشکری و تدلی، ۱۹۹۸، a۲۰۰۳). اگرچه برخی از روش‌شناسان ترکیبی جهت‌گیری فلسفی بیشتری به دیدگاه تحول‌گرا دارند (برای مثال ماکسی، ۲۰۰۳). دیدگاه تحول‌گرا به راحتی (و گاهی باید) با پراگماتیسم تلفیق شود (یعنی اتخاذ یک رویکرد پژوهشی پراگماتیک برای مطالعه و تغییر نابرابری در جهان). ما در جای دیگری **پراگماتیسم** را به منزله نوعی پارادایم تفسیرزدایی تعریف کردیم که

مفاهیمی مانند «حقیقت» و «واقعیت» را رد می‌کند و در عوض بر «آنچه کار می‌کند» به منزله حقیقت در مورد سؤالات پژوهشی تحت بررسی تمرکز می‌کند. پراگماتیسم انتخاب‌های دوگانه یا چندگانه مرتبط با مناظره‌های پارادایمی را رد و استفاده از روش‌های ترکیبی در پژوهش را حمایت می‌کند و اذعان می‌دارد که ارزش‌های پژوهشگر نقش زیادی در تفسیر نتایج دارد (تشکری و تدلی، a۲۰۰۳، ص ۷۱۳).

سؤالات پژوهشی یکپارچه MM، پژوهش‌های MM را هدایت می‌کنند و با اطلاعاتی که به صورت روایت و عدد ارائه می‌شوند، به بهترین شکل پاسخ داده می‌شوند. نویسندگان متعددی در سنت MM به طور خاص به اهمیت محوری سؤالات پژوهشی برای آن رویکرد اشاره می‌کنند (برای مثال، برایمن، b۲۰۰۶؛ ارزبرگر و کله، ۲۰۰۳؛ تشکری و تدلی، ۱۹۹۸). ما آن را یک اصل اساسی در پژوهش می‌دانیم که روش‌های پژوهشی باید متناسب با سؤالات پژوهشی باشد. ما پژوهش انجام می‌دهیم تا به سؤالات پژوهشی پاسخ دهیم. تشکری و تدلی (۱۹۹۸) این را استبداد سؤال پژوهشی نامیدند.

تحلیل داده‌های روش‌های ترکیبی شامل تلفیق فنون تحلیل داده‌های آماری و مضمونی، به علاوه سایر راهبردهای منحصر به MM (برای مثال، تبدیل یا تغییر شکل داده‌ها) است که در ادامه این متن مورد بحث قرار خواهد گرفت. در پژوهش MM به درستی انجام‌شده، پژوهشگران به طور یکپارچه بین تحلیل آماری و تحلیل مضمونی رفت و برگشت می‌کنند (برای مثال، اونوگوبوزی و تدلی، ۲۰۰۳).

پژوهشگران روش‌های ترکیبی با متون کلاسیک هر دو سنت کمی و کیفی و همچنین تعداد رو به رشدی از آثار شناخته‌شده در زمینه MM آشنا هستند (برای مثال، کرسول، ۱۹۹۴، ۲۰۰۳؛ کرسول و پلانو کلارک، ۲۰۰۷؛ گرین، ۲۰۰۷؛ گرین و کاراچلی، a۱۹۹۷؛ جانسون و اونوگوبوزی، ۲۰۰۴؛ مورگان، ۱۹۹۸؛ موریس، ۱۹۹۱؛ نیومن و بنز، ۱۹۹۸؛ رایشاردت و رالیس، ۱۹۹۴؛ تشکری و تدلی، ۱۹۹۸، a۲۰۰۳). کادر ۱.۴ شامل شرحی از یک پژوهشگر نمونه روش‌های ترکیبی به نام پروفیسور التقاطی است که عضو جامعه MM است.

کادر ۱.۴

پژوهشگر نمونه روش‌های ترکیبی: پروفیسور التقاطی

پروفیسور التقاطی در دانشکده بهداشت عمومی دانشگاه فلگشیب مشغول به کار است. او به مسائل بهداشتی کودکان، به‌ویژه پیش‌گیری از دیابت در دانش‌آموزان راهنمایی علاقه‌مند است. برنامه پژوهشی او شامل فرضیه‌هایی مرتبط با کاهش وزن و سؤالات پژوهشی درباره علت کارآمدی مداخلات خاص است. پروفیسور التقاطی در جایگاه یک جامعه‌شناس آموزش دیده است و دارای تخصص در تحلیل داده‌های کمی است که از پایان‌نامه او آغاز شده است. او همچنین در حین کار در یک تیم پژوهشی بین‌رشته‌ای، مهارت‌هایی در زمینه گردآوری و تحلیل داده‌های کیفی به دست آورده است. پژوهش‌های او شامل مداخلات با انواع مختلف مواد غذایی ارائه شده در سلف‌سرویس و برنامه‌های متنوع تربیت بدنی است. او برای مصاحبه و مشاهده دانش‌آموزان با هدف تعیین اینکه چرا برخی مداخلات مؤثر هستند و برخی دیگر نه، زمان قابل توجهی را در محیط واقعی (تا ۲ هفته در هر مکان) صرف می‌کند. تحلیل‌های او ترکیبی از روش‌های کیفی و کمی است. او پژوهش‌های خود را تأییدی (فرضیه پژوهشی در رابطه با وزن) و اکتشافی (سؤالات پژوهشی در مورد اینکه چرا مداخلات مختلف موفق یا شکست می‌خورند) توصیف می‌کند. او سعی می‌کند نتایج پژوهش‌های کیفی و کمی خود را به روش‌های پویا برای پاسخ به سؤالات چه، چگونه و چرا و برای پیش‌برد برنامه پژوهشی خود تلفیق کند.

یک مثال از چگونگی رویکرد سه جامعه پژوهشی به یک مسأله پژوهشی

مقدمه‌ای بر یک مطالعه ارزشیابی

یک مقاله کلاسیک و پرآستاد در حوزه روش‌های ترکیبی، پژوهشی است که توسط موريس ترند (۱۹۷۹) انجام شد و برنامه یارانه مسکن فدرال را با استفاده از هر دو روش کمی و کیفی مورد ارزیابی قرار داد. دیگران از این مقاله برای نشان دادن جنبه‌های متعدد پژوهش ترکیبی استفاده کرده‌اند، مانند دشواری انجام مطالعات با استفاده از پژوهشگرانی از هر دو رویکرد کمی و کیفی؛ اینکه چگونه پژوهش ترکیبی را می‌توان با اجزای جداگانه پژوهش کمی و کیفی (ماکسول و لومیس، ۲۰۰۳) تفهیم کرد؛ ارزش و اعتبار داده‌های کمی و کیفی در صورت بروز تناقض‌ها (پاتون، ۲۰۰۲)؛ و تعادلی که در نتایج حاصل می‌شود و زمانی که اختلافات بین اجزای کمی و کیفی به درستی حل شود (برای مثال، تشکری و تدلی، ۲۰۰۳b). در این فصل، ما از مطالعه ترند (۱۹۷۹) به شیوه‌ای متفاوت استفاده می‌کنیم: به منزله ابزاری برای نشان دادن اینکه چگونه سه جامعه پژوهشی یک مسأله پژوهشی مشابه را بررسی می‌کنند. اگرچه این مطالعه در طول تکامل به یک مطالعه ترکیبی تبدیل شد، اما با دو مؤلفه جداگانه آغاز شد: یک مؤلفه کمی و یک مؤلفه کیفی. این مطالعه زمانی ترکیبی شد که ارزیابان مجبور شدند گزارش‌هایی بنویسند که نتایج حاصل از دو مؤلفه جداگانه را با هم تلفیق کند. ترند (۱۹۷۹) مؤلفه‌های این مطالعه را به شرح زیر توصیف کرد:

وزارت مسکن و توسعه شهری ایالات متحده (HUD) [که تأمین‌کننده بودجه این مطالعه بود] و شرکت مشاوره آبت [که شرکت ارزیابی برنامه بود] سه نوع گزارش را در نظر داشتند. گزارش اول شامل گزارش‌های عملکردی تطبیقی و بین مکان‌ها بود. این گزارش‌ها عمدتاً بر اساس تحلیل کمی بنا شده بودند و به ارزیابی نتایج برنامه می‌پرداختند. هشت مطالعه موردی در محل به مثابه نوع دوم محصول برنامه‌ریزی شده بود. این مطالعات به صورت روایت و مبتنی بر روش کیفی طراحی شده بودند تا با ارائه تصویری کلی از فرآیند برنامه در نهادهای اجرایی، گزارش‌های عملکردی را غنی سازند. سپس یک گزارش نهایی یافته‌های همه تحلیل‌ها را خلاصه و آنها را به توصیه‌های سیاستی تبدیل می‌کرد (ص ۷۰، حروف کج در متن اصلی).

نظر ترند (۱۹۷۹) این بود که «تحلیل‌های مختلف که هر کدام بر اساس شکلی متفاوت از اطلاعات بنا شده‌اند، باید تا اواخر فرآیند تحلیل، جدا از هم نگه داشته شوند» (ص ۶۸). از آنجا که مؤلفه‌های کیفی و کمی از ابتدا تا انتها به طور جداگانه انجام شدند و سپس ترند با استفاده از هر دو منبع، تحلیل MM خودش را انجام داد، این مطالعه نمونه منحصربه‌فردی از چگونگی رویکرد سه‌جامعه پژوهشی را به یک سناریوی پژوهشی مشابه ارائه می‌دهد. کل پروژه شامل هشت مکان در مناطق مختلف ایالات متحده بود. در هر مکان، یک نهاد اجرایی برای اجرای برنامه یارانه مسکن فدرال انتخاب شد که هدف آن تأمین مسکن بهتر برای خانواده‌های کم‌درآمد بود. هر مکان قرار بود تا ۹۰۰ خانواده را تحت پوشش قرار دهد. مقاله ترند (۱۹۷۹) بر نتایج یک مکان (مکان ب) متمرکز بود که دارای سه ناحیه جغرافیایی متمایز بود: دو ناحیه روستایی با دفاتر ماهواره‌ای و یک ناحیه شهری با دفتر مرکزی این مکان.

رویکرد کمی به مطالعه ارزشیابی

بخش کمی این مطالعه، نمونه خوبی از یک ارزشیابی مبتنی بر نتایج است که در آن تأکید بر این است که آیا برنامه به اهداف کلی خود دست یافته است یا خیر، که معمولاً (اما نه همیشه) به صورت کمی اندازه‌گیری می‌شود. مؤلفه کمی برای تعیین این موضوع راه‌اندازی شد که آیا استفاده از پرداخت‌های مستقیم یارانه نقدی مسکن به خانواده‌های کم‌درآمد کمک می‌کند تا مسکن بهتری در بازار آزاد به دست آورند یا خیر.

سؤالات پژوهشی کمی در این مطالعه، که قبل از شروع ارزیابی تعیین شده بودند، شامل موارد زیر بود:

- آیا مکان‌ها به اهداف اعلام‌شده خود در زمینه ثبت‌نام خانواده‌ها در برنامه رسیده‌اند (یعنی تا ۹۰۰ خانواده در هر مکان)؟
- آیا جمعیت اقلیت (آفریقایی-آمریکایی) به طور متناسب در تعداد خانواده‌هایی که از برنامه خدمات دریافت کرده‌اند، نمایندگی داشتند؟
- آیا شرکت‌کنندگان در نتیجه برنامه به واحدهای مسکونی بهتر نقل مکان کردند؟
- آیا متقاضیان بالقوه به طور کارآمد مورد بررسی قرار گرفتند؟

• آیا مدیریت مالی صحیح در این مکان‌ها اعمال شد؟

تیم‌هایی از پژوهشگران نظرسنجی، حسابداران مالی سایت و پردازشگران/تحلیلگران داده‌ها در دفتر مرکزی شرکت مشاوره آبت، بخش کمی مطالعه را انجام دادند. داده‌های عددی نظرسنجی در مورد کیفیت مسکن، ویژگی‌های جمعیتی شرکت‌کنندگان، فعالیت‌های آژانس (نمایندگی)، هزینه‌ها و سایر متغیرهای مرتبط گردآوری شد. از مجموعه مشتری شامل شش فرم برای پی‌گیری روند پیشرفت خانواده‌های شرکت‌کننده استفاده شد. تیم‌های پژوهشگران نظرسنجی با نمونه‌هایی از شرکت‌کنندگان در زمان‌های برنامه‌ریزی شده طی فرآیند با استفاده از پروتکل (دستورالعمل)‌های مصاحبه ساختارمند، مصاحبه کردند. حسابداران تمام مخارج را ردیابی کردند و این اطلاعات بخشی از پایگاه داده‌ها شد. ترند (۱۹۷۹) خاطرنشان کرد که در نهایت، پایگاه داده‌های کمی شامل بیش از ۵۵ میلیون کاراکتر خواهد بود (ص ۷۰، حروف کج در متن اصلی).

به طور خلاصه، این مؤلفه ارزیابی ویژگی‌های متعدد نمونه پژوهش کمی را نشان داد، مانند تعیین سؤالات پژوهشی دقیق قبل از شروع مطالعه، توسعه و استفاده از مقیاس‌های عددی برای اندازه‌گیری متغیرهای نتیجه مورد علاقه، به‌کارگیری گردآورندگان داده حرفه‌ای (مانند پژوهشگران نظرسنجی، حسابداران) برای گردآوری اطلاعات و انجام تحلیل آماری داده‌ها با استفاده از رایانه در یک مکان مرکزی. یافته‌های آماری معنادار برای ایجاد ارزیابی «عینی» از موفقیت برنامه یارانه مسکن فدرال با استفاده از فنون کمی به کار گرفته شد.

داده‌های کمی نتایج حاصل از رایانه نشان داد که سایت «ب» در مقایسه با سایر سایت‌ها عملکرد بسیار خوبی داشته است. سایت «ب» سهمیه ثبت‌نام ۹۰۰ خانوار را در برنامه تکمیل کرد و شرکت‌کنندگان، بهبودی در کیفیت مسکن را تجربه کردند که از بین هشت سایت در رتبه دوم قرار گرفت. ترند (۱۹۷۹) نتایج دیگری از مطالعه را بیان کرد: «مدل هزینه نشان داد که اجرای برنامه در سایت «ب» ارزان بوده است. محاسبات تجدیدنظرشده جمعیت‌شناسی سایت نشان داد که اقلیت‌ها به درستی در جمعیت دریافت‌کننده یارانه مسکن نمایندگی داشتند» (ص ۷۶). شکل ۱.۱ نتایج حاصل از مؤلفه کمی این مطالعه را نشان می‌دهد.

رویکرد کیفی به مطالعه ارزشیابی

بخش کیفی این مطالعه، نمونه خوبی از یک ارزشیابی مبتنی بر فرآیند است که در آن تمرکز بر نحوه اجرا و عملکرد فعلی برنامه است که معمولاً به صورت کیفی اندازه‌گیری می‌شود. مؤلفه کیفی این ارزیابی شامل ایجاد هشت مطالعه موردی توسط ناظران با استفاده از مشاهدات میدانی، مصاحبه‌ها و اسناد (برای مثال، یادداشت‌ها و گزارش‌های میدانی، اسناد برنامه‌ریزی برنامه، ارتباطات درون‌سازمانی) بود. هدف از مطالعات موردی، ارائه توصیفی جامع از آنچه در واقع در هر یک از مکان‌های برنامه رخ داده است، بود. برخلاف مؤلفه کمی، سؤالات پژوهش کیفی از ماهیت کلی‌تری برخوردار بودند و شامل

شکل ۱.۱ دیدگاه پژوهشگر کمی



منبع: جیسون لائو

توصیف اتفاقات رخ داده در زمان شروع برنامه‌ها در موقعیت میدانی و چگونگی تکامل برنامه‌ها در طول سال اول اجرا می‌شد. با انجام مشاهدات و مصاحبه‌ها، مسائل متعددی در هر مکان برنامه ظاهر شد و ناظران از آن مشکلات یا نگرانی‌ها برای بازتعریف مداوم سؤالات پژوهشی خود استفاده کردند.

به هر مکان یک ناظر (معمولاً یک انسان‌شناس) اختصاص داده شد که برای سال اول برنامه در آن مکان حضور داشت. اداره اجرایی در هر مکان، به ناظران فضای اداری اختصاص داد و به آنها اجازه داد تا به صورت روزانه داده گردآوری کنند. آنان به طور منظم یادداشت‌ها و گزارش‌های میدانی را گردآوری کرده و آنها را به دفتر مرکزی ارزیابی ارسال می‌کردند. این داده‌ها «در نهایت به بیش از ۲۵۰۰۰ صفحه رسید» (ترند، ۱۹۷۹، ص ۷۰).

برخلاف نتایج حاصل از مؤلفه کمی، داده‌های کیفی نشان داد که مشکلات جدی در نحوه اجرا و عملکرد برنامه در سایت «ب» وجود دارد. ناظر سایت «ب» گزارش داد که از همان ابتدا مشکلاتی وجود داشته است: افتتاح دفاتر محلی (یک دفتر اصلی شهری، دو دفتر روستایی) تأخیر داشت و واکنش اولیه خانواده‌های بالقوه نسبت به برنامه با کندی توسعه یافت.

در نتیجه این مشکلات، مدیران سایت «ب» مجبور شدند برای ثبت نام ۹۰۰ خانوار در این سایت، تلاش‌های خود را افزایش دهند. کندترین پیشرفت در جذب خانواده‌ها در مرکز شهری صورت گرفت؛ دو دفتر روستایی به راحتی نیازهای جذب برنامه را برآورده کردند.

اداره اجرایی برای افزایش ثبت‌نام در مرکز شهری، سهمیه‌های جذب را تعیین کرد و بین کارکنان دفتر شهری و مسئولی که سهمیه‌ها را تعیین کرده بود، درگیری ایجاد شد. مشکلات در دفتر شهری زمانی تشدید شد که کارکنان شروع به شکایت از کار زیاد کردند و درگیری‌های شخصیتی پدیدار شد. شرایط در دفاتر روستایی متفاوت بود، جایی که اعضای کارکنان نیز سخت کار می‌کردند، اما زمانی را برای بازدیدهای خانگی و بازرسی از تمام واحدهای مسکونی دریافت‌کنندگان یارانه اختصاص می‌دادند.

مشکل دیگر در دفتر شهری مربوط به جذب اقلیت‌ها بود. از آنجا که ثبت‌نام آمریکایی‌های آفریقایی تبار در سایت شهری بیش از حد انتظار بود (برخلاف سایت‌های روستایی)، اداره اجرایی به دفتر شهری دستور داد تا ثبت‌نام را محدود کند. برخی از اعضای کارکنان از این سیاست جذب (که آن را نژادپرستانه می‌دانستند) عصبانی بودند و چندین کارمند در پایان دوره ثبت‌نام با وجود باقی ماندن ماه‌هایی از قراردادشان، استعفا دادند.

تضادهای بین نتایج کمی و کیفی زمانی به یک مسأله تبدیل شد که ناظر سایت «ب» مقاله‌ای خلاصه‌وار نوشت که در آن به موضوعاتی که از تحلیل‌های کیفی استخراج شده بود، از جمله درگیری‌های اداری، تضادهای شخصیتی، بی‌کفایتی مدیریتی و غیره اشاره شده بود. (ترند، ۱۹۷۹) مدیر کل مطالعات موردی بود و از هر یک از ناظران خواسته بود تا مقاله‌هایی خلاصه‌وار به منزله مقدمه‌ای برای مطالعه موردی نهایی ارائه دهند.

این بخش از ارزیابی چند ویژگی کلاسیک پژوهش‌های کیفی را نشان داد، از جمله استفاده از سؤالات نوظهور (از پیش تعیین نشده) برای هدایت پژوهش؛ استفاده از مشاهدات، مصاحبه‌ها، گزارش‌ها و اسناد بدون ساختار و نیمه ساختارمند در نقش منابع داده‌ها؛ تأکید بر ارائه توصیفی جامع از صحنه اجتماعی همان‌طور که از منابع داده‌های کیفی پدیدار شده است؛ و رابطه نزدیک و هم‌دلانه بین مشاهده‌گر و شرکت‌کنندگان در برنامه. ناظر در سایت «ب» با جهت‌گیری «ذهنی» مقاله اصلی راحت بود زیرا ماهیت پژوهش‌های کیفی، بر ساخت‌گرا است و این مقاله بیانگر درک یا بازسازی آگاهانه از واقعیت اجتماعی برنامه‌ای است که در سایت «ب» اجرا شده است. شکل ۱.۲ نتایج بخش کیفی این مطالعه را نشان می‌دهد.

رویکرد روش‌های ترکیبی به مطالعه ارزیابی

مطالعه خاص روش‌های ترکیبی (MM) که ترند (۱۹۷۹) توصیف کرده است، به دلیل نتایج غیرمنتظره و متناقضی که بین بخش‌های کمی و کیفی در سایت «ب» به دست آمد، شکل گرفت. همان‌طور که در بخش قبلی ذکر شد، نتیجه‌گیری‌های ناظر در سایت «ب» با نتایج تحلیل کمی تأثیر برنامه در آن سایت در تضاد بود. داده‌های کمی نشان می‌دادند که برنامه در حال کار است، در حالی که داده‌های کیفی به مشکلات جدی در اجرای برنامه اشاره می‌کردند. رویکرد روش‌های ترکیبی برای توضیح چنین اختلافات ظاهری بین نتایج کمی و کیفی مورد استفاده قرار گرفت.

شکل ۱.۲ دیدگاه پژوهشگر کیفی



منبع: جیسون لائو

مطالعه ارزیابی ارائه شده توسط ترند (۱۹۷۹) نمونه‌ای از یک طرح موازی روش‌های ترکیبی است، اگرچه نویسندۀ مطالعه از این اصطلاح استفاده نکرده است. در یک طرح موازی روش‌های ترکیبی، پژوهشگران اجزای کمی و کیفی را به طور جداگانه (و به صورت موازی) انجام می‌دهند و سپس از یک فرآیند استنتاج فراترکیبی^۱ برای تلفیق نتایج استفاده می‌کنند (برای جزئیات بیشتر در مورد این طرح به فصل ۵ مراجعه کنید).

سؤالات پژوهش برای یک مطالعه روش‌های ترکیبی، پرسش‌های ناشی از اجزای جداگانه کمی و کیفی به اضافه هر سؤالی که ممکن است در هنگام استنتاج نتیجه‌گیری شود، را در بر می‌گیرد (به فصل ۴ مراجعه کنید). مطالعه ترند (۱۹۷۹) سؤالات اضافی زیر را در مورد تلفیق پرسیده است:

چرا نتایج بخش‌های کمی و کیفی متناقض بودند؟

چه تبیینی را می‌توان از داده‌های ترکیبی استخراج کرد که بتواند این تفاوت‌ها را حل کند؟
ترند (۱۹۷۹) این سؤالات جدید را به شرح زیر توجیه کرد:

ما باید به این سؤال پاسخ دهیم که چگونه برنامه‌ای می‌توانست در بسیاری از جنبه‌ها چنین نتایج تحسین‌برانگیزی به دست آورد، در حالی که همه داده‌های مشاهده‌ای نشان می‌دادند

که برنامه شکست خواهد خورد. چه اتفاقی افتاده بود و چگونه؟ (ص ۷۸)

اگرچه ترند (۱۹۷۹) ناظر سایت «ب» نبود، اما پس از اینکه شرکت ارزیابی از ناظر خواست تا گزارش را به گونه‌ای بازنویسی کند که با نتایج کمی سازگارتر باشد، در نوشتن مقاله تجدید نظر شده با ماهیت اصلی مشارکت کرد. سپس ترند و ناظر، تجزیه و تحلیل مجدد داده‌ها را آغاز کردند و به دنبال اطلاعاتی بودند که به آنها در رفع اختلافات کمک کند. یکی از پیشرفت‌های مهم زمانی حاصل شد که داده‌ها را بر اساس موقعیت دفتر (دو روستایی و یک شهری) به سه بخش تقسیم کردند. آنان دریافتند که فرآیندهای بسیار متفاوتی در مناطق روستایی و شهری در حال انجام است:

- پژوهش‌های عمیق‌تر منجر به کشف الگوهای متناقض نتایج در سراسر سایت‌ها شد که برای درک تأثیر برنامه مهم‌تر از الگوی کلی میانگین نتایج بود.
- بستر روستایی مزایای زیادی برای برنامه ایجاد کرد. گیرندگان بالقوه در آنجا با احتمال بیشتری سفیدپوست و دارای خانواده‌های کوچک‌تر و درآمد بالاتر بودند که منجر به یارانه‌های مسکن پایین‌تر از حد متوسط شد. این یارانه‌های پایین‌تر، میانگین یارانه پرداختی به کل دریافت‌کنندگان برنامه را کاهش داد و در نتیجه به نتایج مثبت کلی کمی کمک کرد. همچنین، جذب خانواده‌ها در مناطق روستایی آسان‌تر بود و این تعداد کل دریافت‌کنندگان را افزایش داد.
- بستر شهری معایب متعددی داشت. اشتیاق اولیه خانواده‌های آفریقایی-آمریکایی در منطقه شهری منجر به نوعی نظام سهمیه‌بندی شد که احساسات منفی برخی از کارکنان را برانگیخت و در نتیجه آنها را از برنامه دور کرد. نظام سهمیه و تعداد کم کارکنان منجر به فرآیند تولید انبوه در دفتر شهری شد که تعداد دریافت‌کنندگان را به روشی کارآمد افزایش داد.

چند عامل دیگر مرتبط با تفاوت‌های بافت شهری و روستایی، درک بهتر اختلافات کلی بین نتایج کمی و کیفی را به همراه داشت. ترند (۱۹۷۹) نتیجه گرفت که «با در نظر گرفتن سایت «ب» به مثابه یک قطعه واحد، تحلیل گران کمی تقریباً تمام آنچه را که اکنون کشف می‌کردیم، از دست داده بودند» (ص ۸۰).

قبل از اینکه نهایتاً پذیرفته شود، شش نسخه از مقاله اصلی نوشته شد. اگرچه برای درک واقعی جنبه‌های متمایز برنامه از نظر بافت، به طور آشکار آشتی دادن تناقضات در داده‌های روش‌های ترکیبی ضروری بود، اما تحلیل یکپارچه داده‌های کمی و کیفی برای ترند و ناظر ۱۰ هفته به طول انجامید. به دلیل افزایش هزینه‌های گردآوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها، پژوهش‌های با روش‌های ترکیبی اغلب گران‌تر از پژوهش‌های صرفاً کمی یا کیفی است.

چنانچه تنها داده‌های کمی تجزیه و تحلیل می‌شد، تصویر برنامه یارانه مسکن فدرال نادقیق (بیش از حد مثبت) می‌شد. به طور مشابه، اگر تنها مطالعه موردی انجام می‌شد، تصویری نادقیق

شکل ۱.۳ دیدگاه پژوهشگر روش ترکیبی (MM)



منبع: جیسون لائو

(بیش از حد منفی) از برنامه پدیدار می‌شد. هنگامی که داده‌ها تلفیق شدند، تصویری کلی و دقیق‌تر از نتایج پدیدار شد. در این ارزیابی، روش‌های ترکیبی ابتدا فرصتی را برای بیان دیدگاه‌های متفاوت فراهم کرد و سپس به منزله تسهیل‌کننده‌ای برای یک ارزیابی متوازن‌تر عمل کرد. به طور خلاصه، مطالعه ارزیابی انجام شده توسط ترند و همکارانش، حتی اگر به مثابه یک مطالعه یکپارچه برنامه‌ریزی نشده بود، ویژگی‌های متعدد کلاسیک پژوهش ترکیبی را نشان داد: استفاده از هر دو سؤال پژوهش از پیش تعیین‌شده و نوظهور برای هدایت مطالعه، استفاده از هر دو منبع داده‌های کمی و کیفی، استفاده از هر دو نوع تحلیل داده‌های کمی و کیفی، و استفاده نوآورانه از فنون روش‌های ترکیبی برای تلفیق یافته‌های کمی و کیفی به استنتاج‌های فراترکیبی به شیوه‌ای منطقی. شکل ۱.۳ نتایج وابسته به زمینه از بخش روش‌های ترکیبی این مطالعه را نشان می‌دهد.

سه جامعه روش‌شناختی: بحث‌های مداوم یا همزیستی مسالمت‌آمیز؟

سه جامعه روش‌شناختی (کمی، کیفی و ترکیبی) در طول دهه‌های گذشته، دوره‌هایی از هر دو جنبه تضاد فلسفی و همزیستی مسالمت‌آمیز را تجربه کرده‌اند. در این مدت، جامعه کیفی

برای به چالش کشیدن جهت‌گیری سنتی کمی ظهور کرد و سپس جامعه پژوهشی روش‌های ترکیبی (MM) به طور قابل توجهی به سطح آمد. این بخش به طور خلاصه به مناظره پارادایم‌ها (برای مثال، گیج، ۱۹۸۹؛ گوبا، ۱۹۹۰) که با پذیرفته شدن مواضع جامعه کیفی و به چالش کشیدن برتری جامعه کمی رخ داد، می‌پردازد.

توماس کوهن (۱۹۶۲، ۱۹۷۰، ۱۹۹۶) در کتاب کلاسیک خود به نام ساختار انقلاب‌های علمی، مفهوم رقابت پارادایم‌ها و تغییر پارادایم را مطرح کرد. بحث پارادایم در علوم اجتماعی و رفتاری (حدود ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۵) که به‌ویژه در پژوهش‌های آموزشی و ارزیابی گسترش یافته بود، نمونه خوبی از طرفداران پارادایم‌های رقیب است که در مورد مزایای نسبی مواضع نظری خود اختلاف نظر دارند. (برای جزئیات بیشتر در مورد دیدگاه‌های کوهن در مورد پارادایم‌ها، به فصل ۳، کادر ۳.۱ مراجعه کنید.)

این مخالفت‌ها تا حد زیادی محصول انتقادهای شدید جامعه کیفی از مسائلی بود که آن را سنت پذیرفته‌شده پارادایم اثبات‌گرایی می‌نامیدند. به جای پارادایم اثبات‌گرایی، بسیاری از پژوهشگران کیفی، از بر ساخت‌گرایی به مثابه یک دیدگاه نظری بهتر برای انجام پژوهش حمایت کردند. ساده‌ترین تعریف از **مناظره پارادایم‌ها** این است - درگیری بین جهان‌بینی‌های علمی رقیب از اثبات‌گرایی (و انواع آن، مانند اثبات‌گرایی پسا-تجربی) و بر ساخت‌گرایی (و انواع آن، مانند تفسیرگرایی) در مورد مسائل فلسفی و روش‌شناختی (برای مثال، گیج، ۱۹۸۹؛ گوبا و لینکلن، ۱۹۹۴؛ تشکری و تدلی، ۱۹۹۸). روش‌های ترکیبی تا حدودی به مثابه نتیجه آن بحث پدیدار می‌شد.

با ظهور بر ساخت‌گرایی، برخی نویسندگان (برای مثال، گوبا و لینکلن، ۱۹۹۴؛ لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵) جدول‌های مقایسه پارادایم‌ها (که بعداً در فصل ۳ مورد بحث قرار می‌گیرد) را تنظیم کردند که تفاوت‌های بین اثبات‌گرایی، اثبات‌گرایی پساتجربی، نظریه انتقادی و بر ساخت‌گرایی را در مورد مسائل فلسفی مانند هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی، امکان تعمیم‌پذیری، امکان ارتباطات علی و غیره خلاصه می‌کردند. این جدول‌های مقایسه، تفاوت‌های اساسی (یعنی دوگانگی‌ها) بین پارادایم‌های مختلف را نشان می‌دادند و بدین وسیله نشان می‌دادند که پارادایم‌ها با یکدیگر سازگار نیستند.

یکی از اجزای اصلی مناظره پارادایم‌ها، **تز ناسازگاری**^۱ بود که بیان می‌کرد به دلیل تفاوت‌های اساسی در پارادایم‌های زیربنایی آن روش‌ها، ترکیب روش‌های کیفی و کمی نامناسب است (برای مثال، سیل، لوه‌فلد و برزیل، ۲۰۰۲؛ اسمیت، ۱۹۸۳؛ اسمیت و هِشوسِیوس، ۱۹۸۶). تز ناسازگاری با ارتباط فرضی بین پارادایم‌ها و روش‌های پژوهش مرتبط است. طبق این تز، پارادایم‌های پژوهش با روش‌های پژوهش در ارتباطی یک به یک مرتبط هستند. بنابراین، اگر مقدمات اساسی پارادایم‌های مختلف با یکدیگر در تضاد باشند، روش‌های مرتبط با آن پارادایم‌ها نمی‌توانند ترکیب شوند.

روش‌شناسان ترکیبی با این موضع با تز سازگاری مخالفت کردند، همان‌طور که در نقل قول زیر آمده است:

با این حال، پراگماتیسم به کارگیری چند روش پژوهش مختلف برای مطالعه یک مشکل کلی با طرح پرسش‌های خاص متفاوت، برخی پیامدهای کارکردگرایانه برای نظریه اجتماعی دارد. به جای اینکه به یک سبک نظری خاص و روش سازگارترین آن پایبند باشید، در عوض می‌توان روش‌هایی را ترکیب کرد که بتواند یا حتی مستلزم تلفیق دیدگاه‌های نظری مختلف برای تفسیر داده‌ها باشد. (بروئر و هانتز، ۲۰۰۶، ص ۵۵)

در سطح فلسفی، روش‌شناسان ترکیبی با مطرح کردن یک پارادایم متفاوت؛ پراگماتیسم (برای مثال، جانسون و اونوگوبوزی، ۲۰۰۴؛ ماکسی، ۲۰۰۳؛ مورگان، ۲۰۰۷، ۲۰۱۴)، با تز ناسازگاری مقابله کردند. یکی از اصول اصلی مفهوم پراگماتیست هاو (۱۹۸۸) این بود که روش‌های کیفی و کمی سازگار هستند (تز سازگاری)، و بدین وسیله انتخاب‌های دوتایی ارائه شده از سوی تز ناسازگاری را رد می‌کرد. پراگماتیسم جایگزین سومی (ترکیب هر دو روش کیفی و کمی) برای انتخاب‌های دوتایی (استفاده از روش‌های کیفی یا کمی) تز سازگاری ارائه می‌داد. هاو (۱۹۸۸) این تز را به شرح زیر توصیف کرد: «تز سازگاری از دیدگاهی حمایت می‌کند که شروع به تسلط بر عمل می‌کند، یعنی ترکیب روش‌های کمی و کیفی کار خوبی است و انکار می‌کند که چنین پیوندی از نظر معرفت‌شناسی (شناخت) بی‌محتوا است» (ص ۱۰).

مناظره پارادایم‌ها به طور قابل توجهی در اواسط و اواخر دهه ۱۹۹۰ کاهش یافت (برای مثال، پاتون، ۲۰۰۲)، عمدتاً به این دلیل که بسیاری از پژوهشگران از بحث‌های فلسفی جدل‌آمیز خسته شده بودند، آنان برای هر دو روش کیفی و کمی ارزش قائل بودند و می‌خواستند کار خود را بر پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش خود متمرکز کنند. روش‌شناسان ترکیبی به طور فعال علاقه‌مند به آشتی دادن جوامع و ارائه نوعی رویکرد ترکیبی جدید به پژوهش با استفاده از منطق هم-و^۱ بودند. این منطق گویای این موضع بود که از هر دو روش کیفی و کمی، آنچه مفید است را استفاده کنید. رویکرد نوظهور روش‌های ترکیبی، همراه با کارکردگرایی، توجیهی برای ترکیب روش‌ها و رویکردهای کمی و کیفی و جایگاهی برای آن فراهم کرد.

مناظره پارادایم‌ها برای بسیاری از پژوهشگران (به‌ویژه روش‌شناسان ترکیبی) که در حال حاضر در علوم اجتماعی و رفتاری کار می‌کنند، حل شده است. با این وجود، این بحث هنوز در برخی از محافل، مانند روش‌شناسان ترکیبی و پژوهشگرانی که می‌خواهند به دیدگاه‌های حاصل از پارادایم‌های مختلف توجه کنند و تعامل آنها را در نظر بگیرند، ادامه دارد (برای مثال، گرین، ۲۰۰۷؛ جانسون، ۲۰۱۱، ۲۰۱۷). در نهایت اینکه برخی از پژوهشگران ترجیح می‌دهند پارادایم‌های زیربنای کار خود را برجسته کنند و برخی دیگر ترجیح می‌دهند زمان